

نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران^۱

زهرا محدثی*

عباسعلی سلطانی**

چکیده

تشهیر یکی از انواع مجازات‌های تعزیری است که به اعتقاد قاطبه‌ی فقها مجازات اصلی جرم شهادت زور است و از نظر مشهور فقها در مورد قاذف، قواد، کلاهبردار و مفلس هم اجرا می‌شود. در مورد فلسفه، موارد و کیفیت اجرای تشهیر بین فقها اختلاف نظرهایی موجود است. در قوانین موضوعه ایران نیز، تشهیر به عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری به رسمیت شناخته شده و در قوانین متعددی از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان دو قانون مهم کیفری، موارد و نحوه اجرای آن مشخص شده است. امروزه دو سؤال مهم در این زمینه مطرح می‌شود: نخست این که؛ آیا می‌توان مجازات تشهیر را غیر از جرایم ذکر شده در نصوص فقهی، با استفاده از وحدت ملاک و تنقیح مناط برای جرایم دیگر از جمله جرایم نوظهور نیز استفاده نمود؟ و دوم این که؛ با وجود گسترش جوامع و پیشرفت تکنولوژی و ظهور رسانه‌های جمعی از قبیل تلویزیون، روزنامه، اینترنت و ... آیا هنوز هم باید مجازات تشهیر به شکل پیشین خود و با گرداندن مجرم در محافل مردم صورت گیرد یا می‌توان از این رسانه‌ها برای تشهیر مجرم استفاده نمود؟ این مقاله براساس روش تحلیلی توصیفی، متعاقب بررسی و مفهوم‌شناسی تشهیر در فقه، بیان موارد، فلسفه و کیفیت اجرای تشهیر، بیان دیدگاه فقهای عظام و همچنین جایگاه تشهیر در نظام حقوقی ایران و مواد قانونی در این زمینه، تلاش کرده است به پرسش‌های فوق پاسخ دهد.

کلید واژه: کیفر تشهیر، تعزیر، شاهد زور، قاذف، قواد، محتال، مفلس.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۳

* دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) za.mohadesi@gmail.com

** دانشیار گروه فقه و مبانای حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۱- طرح مسأله

یکی از اصول حاکم بر مجازات‌های اسلامی، اصل کرامت ذاتی انسان است. در شرع مقدس اسلام به مدلول آیه شریفه ی «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء، ۷۰)، انسان به ما هو انسان، جایگاه و منزلتی والا دارد و هیچ کس حق ندارد به ناحق این جایگاه رفیع را که هدیه خداوند است، از او بگیرد. بنابراین حتی اگر انسانی مجرم باشد باید در اجرای مجازات کرامت ذاتی‌اش حفظ گردد. مؤید این مطلب احادیث ماثور زیادی است درباره این که مسلمانان نباید در پی فاش کردن لغزش‌ها و خوار کردن یکدیگر باشند (کلینی، ۲، ۳۵۴، ۱ تا ۳). بنابر آنچه گفته شد به مدلول کتاب و سنت، اصل، حرمت آبروی مسلمان است.

با این وجود، در این زمینه شرع استثناهایی نیز قائل شده است. یکی از این استثناءها، وضع مجازات تشهیر است که به معنای شناساندن مجرم به مردم همراه با استخفاف وی می‌باشد (جواهر الکلام، ۴۱، ۲۵۲).

این مجازات به جرم‌های محدودی اختصاص یافته مثلاً در مورد شاهد زور که با شهادتش موجبات آزار دیگران را فراهم نموده و به حقوق فردی و اجتماعی دیگران متعرض گردیده است، مجازات تشهیر وضع شده تا ضمن اثر تربیتی برای خود مجرم، از تکرار جرم جلوگیری شود و موجبات عبرت دیگران فراهم آید. همچنین در مورد مفلس (ورشکسته) و محتال (کلاهبردار) برای شناساندن آنها به مردم و جلوگیری از ضرر دیگران به واسطه جهل به افلاس یا احتیال وضع شده است.

قانونگذار ایرانی نیز در قوانین موضوعه کشورمان تشهیر را به عنوان یکی از انواع مجازات‌ها پذیرفته و قوانینی در این زمینه وضع نموده است. از جمله ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) که مجازات‌های تعزیری را درجه بندی نموده و مجازات تشهیر را ذیل درجه ششم آنها قرار داده است. همچنین، در ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) و تبصره‌های ذیل آن به نوعی مجازات تشهیر متبلور گردیده است.

این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی، ابتدا به مفهوم شناسی تشهیر در فقه و در ادامه بعد از بیان موارد، فلسفه و کیفیت اجرای تشهیر، به بیان نظرات فقهای عظام در این زمینه پرداخته و در انتها تشهیر را عصر حاضر و قوانین موضوعه ایران بررسی کرده است.

۲- مفهوم‌شناسی

۲-۱- واژگان شناسی

کلمه‌ی تشهیر واژه‌ای عربی از ریشه‌ی « شَهْرَ » است که به باب تفعیل رفته است. در لغت به معنای «وَضَحَّ» آمده است و «شهره» را وضوح امر یعنی روشن سازی چیزی معنا نموده‌اند (جوهری، ۱۴۱۰، ۲، ۷۰۵).

شهره به معنای رسوایی نیز آمده (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴، ۴۳۲) و اِشْهَار (تشهیر) به معنی رسوا کردن، خوار کردن و مشهور کردن آمده است (واسطی، ۱۴۱۴، ۶۸، ۷؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۳، ۳۹۱).

صاحب «کتاب العین»، تشهیر را به معنای نمایاندن چیزی به نحو قبیح در میان مردم برای تقبیح آن شیء نزد مردم معنا کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳، ۴۰۰).

احمد بن فارس گوید: «شهر فلان فی الناس بكذا» یعنی فلانی در میان مردم به فلان چیز مشهور و شناخته شده است (معجم مقائیس اللغه، ۱۴۰۴، ۳، ۲۲۲).

در مفردات الفاظ قرآن، «شهر فلان» به معنای مشهور شدن فلانی به خیر یا شر آمده است (راغب، ۱۴۱۲، ۴۶۸).

۲-۲- تشهیر در منابع فقهی

تشهیر (اِشْهَار) به معنای آشکار کردن آمده است (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۵۰۷، ۱).

واژه‌ی تشهیر برحسب آنچه به آن اضافه می‌شود مفهوم خاصی پیدا می‌کند. تشهیر مجرم یعنی گرداندن او در خیابان‌ها و معرفی او به مردم (همان، ۱، ۵۰۸).

این مجازات که برای برخی جرایم خاص، بالأخص جرایمی که مجرم در آنها امین مردم بوده و خیانت کرده، در نظر گرفته شده (عوده، ۱، ۷۰۴ به نقل از زمانی، ۱۳۹۰، ۳)، اختصاص به مردان دارد و به اتفاق فقهای شیعه در مورد زنان اجرا نمی‌شود (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۴۱، ۴۰۱).

لذا تشهیر مجرم در واقع رسوا کردن وی در میان مردم و شناساندن او به مردم است تا علاوه بر تنبیه وی، دیگران نیز عبرت گیرند (همان، ۴۱، ۲۵۲).

۳- مجازات تشهیر حد یا تعزیر؟

«حد» در اصطلاح فقها مجازاتی است که شارع مقدس برای برخی جرایم با تعیین کمّ و کیف آن در همه‌ی مصادیق جرم تشریح کرده است (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۳، ۲۵۱). محقق حلیّ هر کاری را که کیفر مشخص دارد حد می‌نامد (شرائع، ۴، ۱۳۶). محقق حلیّ، اسباب حدود را محدود در شش دسته می‌داند: «و الأسباب الحدّ ستّه: الزّنی و ما یتبعه و القذف و شرب الخمر و السرقة و قطع الطریق» (همان، ۴، ۱۳۶). شهید ثانی و صاحب جواهر نیز همین دسته بندی را برای حدود ذکر کرده‌اند (مسالك، ۱۴، ۳۲۶؛ جواهر، ۴۱، ۲۵۵). بنابراین دسته بندی، سایر مجازات‌های شرعی که غیر از اینها باشند در دایره‌ی تعزیرات قرار خواهند گرفت که بسیار گسترده‌تر از حدود است.

در مقابل «تعزیر» که در لغت به معنای تعظیم، اذلال و منع می‌باشد (سعدی، ۱۴۰۸، ۲۵۰؛ محمود عبدالرحمان، بی‌تا، ۱، ۴۷۱)، نوعی مجازات است که مقدارش بیان نشده و تعیین مقدارش بر عهده‌ی حاکم شرع است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۴۱، ۲۵۴؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶). تعزیر برای گناهیانی است که در شرع بر آنها حد و کفّاره ای تعیین نشده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۴، ۳۲۶؛ محمود عبدالرحمان، بی‌تا، ۱، ۴۷۱). مقدار تعزیر به اقتضای زمان و مکان و نوع گناه و مرتکب شونده‌ی آن تفاوت می‌کند. ولی همواره از بالاترین حدّ شرعی (۱۰۰ تازیانه) یا به قول برخی فقها از پایین‌ترین حدّ شرعی (۷۵ تازیانه) کمتر است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۴۱، ۲۴۸).

شهید اول، در «قواعد و فوائد»، ده ویژگی برای تعزیر بر می‌شمارد:

- ۱) میزان دقیق آن مشخص نیست. فقط باید از حد کمتر باشد.
- ۲) در اجرای آن انسان آزاد و بنده یکسان هستند.
- ۳) میزان آن بر اساس میزان مفسده جرم تغییر می‌کند. برخلاف حد که صرف انجام فعل موجب اجرای آن می‌شود؛ مثلاً فرقی بین سرقت یک دینار با سرقت یک قنطار^۱ نیست.
- ۴) وضع مجازات تعزیر تابع مفسده و برای تأدیب فرد خطاکار است، هرچند عمل انجام شده از نظر شرعی گناه نباشد.

۱- در اصطلاح عرب مال فراوان را گویند. ۴۰۰۰ دینار و برخی منابع گفته اند ۱۰۰۰ دینار. در میزان آن اختلاف است (محمود عبدالرحمان، بی‌تا، ۳، ۱۱۹).

- ۵) اگر گناه کوچک باشد، باید تعزیر هم به همان اندازه کوچک باشد. برای گناهان خیلی کوچک از تعزیر صرف نظر می‌شود.
- ۶) تعزیر با توبه قبل از قیام بینه ساقط می‌شود.
- ۷) حاکم شرع در انتخاب انواع تعزیر مخیر است، در حالی که در حدود جز در مورد جرم محاربه این تخییر وجود ندارد.
- ۸) تعزیر بر حسب فاعل، مفعول و بزرگی جنایت تغییر می‌کند.
- ۹) اگر جنایت مستوجب تعزیر به واسطه ی اهانت به دیگری باشد، و اهانت در سرزمین‌های مختلف متفاوت باشد، برای احراز اهانت بودن الفاظ مورد استفاده، به عرف و عادت آن سرزمین رجوع می‌کنند.
- ۱۰) تعزیرات به سه دسته تقسیم می‌شوند: حق الله محض، حق الناس محض، حق الله و حق الناس توأمان. بر خلاف حدود که همواره حق الله است^۱ (شهید اول، ۱۴۰۰، ۲، ۱۴۲ - ۱۴۴).
- با توجه به خصوصیات بیان شده روشن است که تشهیر جزو تعزیرات است چرا که:
- ۱) نمی‌توان برای آن میزان دقیقی در نظر گرفت.
- ۲) در نصوص فقهی، در جرایمی که مجازات آنها تشهیر است، آزاد یا بنده بودن مجرم مطرح نشده است.
- ۳) میزان آن با توجه به میزان مفسده ی جرم تغییر می‌کند. گاهی به همراه استخفاف است و گاهی فقط صرف شناساندن مجرم.
- ۴) یکی از مواردی که مجازاتش تشهیر است، افلاس است، که از نظر شرعی گناه محسوب نمی‌شود.
- ۵) حاکم شرع در انتخاب مجازات تشهیر یا جایگزینی آن با دیگر مجازات‌های تعزیری بنا بر مصلحت مجرم و جامعه، مخیر است.
- ۶) همانطور که در فصول بعدی اشاره خواهد شد، اجرای مجازات تشهیر در زن و مرد متفاوت است.
- ۷) جرایمی که مستوجب این مجازات هستند. برخی حق الناس هستند مانند کلاهبرداری.
- فقه‌های عظام نیز در این زمینه متفق‌القول‌اند که تشهیر جزو تعزیرات است که از باب تأدیب مجرم و برای جلوگیری از تکرار جرم، به وسیله ی حاکم شرع برای جرم‌های خاص اجرا می‌شود.

۱- البته به جز قذف که در این مورد بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که حق الله است یا حق الناس.

۴- موارد اجرای مجازات تشهیر و کیفیت آن در فقه امامیه

درباره‌ی موارد اجرای مجازات تشهیر و کیفیت آن، فقهای عظام در کنار اتفاق نظرهای متعدّد، اختلاف نظرهایی نیز دارند، که در ذیل مطلب به اهمّ آنها اشاره می‌گردد.

۴-۱- بررسی موارد اجرای تشهیر

به طور کلی، تشهیر مجازات اصلی جرم شهادت کذب است و در این زمینه نصّ صریح داریم.^۱ علاوه بر این، بنا بر تصریح برخی فقها، برای قاذف و محتال (کلاهبردار)، و بنا بر نظر مشهور برای قوادم هم در نظر گرفته می‌شود (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۱، ۵۰۸). همچنین اکثر فقها اشهار مفلس را نیز برحاکم لازم می‌دانند (حلبی، ۱۴۰۳، ۳۴۱؛ کلیدری، ۱۴۱۶، ۲۹۵؛ سبزواری، ۱۴۲۱، ۳۰۶).

۴-۱-۱- اجرای تشهیر در مورد شاهد زور^۲

در مورد تشهیر شاهد زور، فقهای عظام متّفق النّظر هستند. شیخ طوسی در این زمینه نقل عدم خلاف نموده است (الخلاف، ۶، ۲۴۰، مسأله ۳۹). اصلی‌ترین دلیل این حکم، روایات ۳ گانه‌ای هستند که در کتب معتبر فقهی شیعه ذکر شده‌اند که مهمترین آنها، موثقه‌ی سماعه از امام صادق (ع) است: «عن جعفر عن ابیه إنّ علیاً علیه السلام کان إذا أخذ شاهد زور، فإن کان غریبه بعث به إلى حیّّه و إن کان سوقياً بعث إلى سوقه، فطیف به ثمّ یحبسه ایّاماً ثمّ یُخلی سبیله» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۶، ۲۸۰، ۱۷۵؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۵۹، ۳۳۳۳؛ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۳۳۴، ۳۳۸۷۰ - ۳).

ترجمه: «امام علی علیه السلام هرگاه شاهد زور را دستگیر می‌کرد، اگر غریب بود او را به قبیله‌اش می‌فرستاد و اگر بازاری بود به بازار می‌برد و او را می‌گرداند و پس از چند روز زندانی کردن او را آزاد می‌کرد» (شیخ صدوق، ۱۴۰۹، ۴، ۷۵، ۳۳۳۳).

۱ - «احمد بن محمد بن عیسی ... عن جعفر عن ابیه : أنّ علیاً علیه السلام کان إذا أخذ شاهد زور فإن کان غریباً بعث به إلى حیّّه و إن کان سوقياً بعث به إلى سوقه فطیف به ثمّ یحبسه ایّاماً ثمّ یُخلی سبیله» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۶، ۲۸۰، ۱۷۵؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳، ۵۹، ح ۳۳۳۳؛ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۳۳۴).

امام علی علیه السلام هرگاه شاهد زور را دستگیر می‌کرد، اگر غریب بود، او را به قبیله‌اش می‌فرستاد و اگر بازاری بود به بازار می‌برد و او را می‌گرداند (تشهیر می‌کرد) و پس از چند روز زندانی کردن آزادش می‌نمود (صدوق، ۱۴۰۹، ۴، ۷۵، ۳۳۳۳)

۲ - شاهده‌ی که در دادگاه، نزد مقامات رسمی در دادگاه شهادت دروغ می‌دهد را شاهد زور می‌گویند (شاملو احمدی، ۱، ۲۸۷ به نقل از زمانی، ۱۳۹۰، ۴)

این حدیث را علامه مجلسی مؤتفه دانسته (اصفهانی، ۱۰، ۱۴۰۶، ۱۶۶) ولی شیخ صدوق مرسل می‌داند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳، ۵۹؛ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۳۳۴ ذیل حدیث ۳).

تنها اختلاف نظری که در خصوص تشهیر در باب شهادت زور به چشم می‌خورد، این است که مشهور فقها تشهیر شاهد زور را بر حاکم واجب می‌دانند و در مقابل آنها برخی فقها با ذکر عبارت «ینبغی: شایسته است» آنرا مستحب می‌دانند.

اهمّ فقهای که قائل به وجوب تشهیر شاهد زور هستند عبارتند از:

شیخ طوسی در «الخلاف» (۶، ۲۴۰)، علامه حلی در «تحریر الاحکام» (۲، ۲۱۹)، همو در «تبصره المتعلمین» (۱۸۴)، حلبی در «کافی» (۴۴۰)، شهید اول در «الدروس» (۲، ۱۴۵)، ابن فهد در «مهذب البارع» (۴، ۵۷۶)، ابن براج در «المهذب» (۲، ۵۶۴)، سید طباطبایی در «ریاض» (۱۵، ۴۳۱)، وجدانی در «جواهر الفخریه» (۵، ۴۸۱)، فاضل آبی در «کشف الرموز» (۲، ۵۳۵)، شوشتری در «النجعه» (۶، ۴۲۴)، صاحب جواهر در «جواهر الکلام» (۴۱، ۲۵۲)، نراقی در «مستند الشیعه» (۱۸، ۴۳۲)، امام خمینی در «تحریر الوسیله» (۲، ۴۵۴).

از جمله معدود فقهای که قائل به استحباب تشهیر شاهد زور هستند می‌توان به ابن ادریس اشاره نمود، وی در «سرائر» می‌نویسد: «در مورد شاهد کذب، غیر از حد، تعزیر کردنش واجب است، و شایسته است، حاکم او را در سرزمین تشهیر کند تا مردم او را بشناسند» (۳، ۵۲۹۰).

۴-۱-۲- اجرای تشهیر در مورد قواد^۱

در مورد اجرای مجازات تشهیر برای قواد در کتب حدیثی معتبر شیعه نصّ خاصی موجود نیست و احادیث ذکر شده درباب قیادت منحصر در دو خبر «عبدلله بن سنان» از امام صادق علیه السلام است که در هر دو، فقط مجازات هفتادو پنج تازیانه برای فاعل فعل قیادت ذکر شده است و حدیثی که پیامبر اکرم (ص) فعل قیادت را نهی می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰، ۶۴-۶۵؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۴، ۴۷-۴۸، ۵۰۶۱؛ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۸، ۱۷۱، ح ۱ و ۲).

۱- قواد: "هو جامع بین الرجال و النساء للزنا أو بین الرجال و الصبیان للواط": قواد جمع کننده بین مردان و زنان برای زنا یا بین مردان و پسران برای لواط است (علامه حلی، قواعد الاحکام، ۳/۵۳۸). قواد در واقع فاعل فعل قیادت است و قیادت را "جمع بین فاعلی الفاحشه: جمع کردن بین انجام دهندگان فحشا" معنا کرده اند (شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۵۷).

نجم الدین طیبی در کتابش می‌گوید: دلیل خاصی بر حلق و تشهیر قوآد وجود ندارد بلکه اگر دلیل، روایت «ابن سنان» باشد، شایسته است به تازیانه و نفی بلد اکتفا شود (نفی والتغریب، ۱۱۶). همچنین، فاضل مقداد در «التنقیح الرائع» (۴، ۳۵۶) و فاضل هندی در «کشف اللثام» (۱۰، ۵۰۸)، با آوردن «قیل تمریضیه» برای قائل حلق و تشهیر، قولش را تضعیف می‌کنند و می‌گویند مستندی برای اثبات حلق و تشهیر موجود نیست. مرحوم خویی نیز در «مبانی تکمله المنهاج» می‌نویسد: «گفته شده سر مرد قوآد تراشیده و تشهیر می‌شود بلکه این قول به مشهور نسبت داده شده است ولی مستندی برای این قول نیست» (خویی، ۱۴۲۲، ۴، ۳۰۵).

اما در مقابل، مشهور فقهای عظام پس از شیخ طوسی^۱، تشهیر و حلق را برای قوآد ثابت می‌دانند. شیخ الطائفه در «النهایه» می‌گوید: «کسی که مردان و زنان یا مردان را برای فجور به هم می‌رساند... واجب است سه چهارم حد زانی یعنی هفتاد و پنج تازیانه بر او نواخته شود و سرش تراشیده شود و در سرزمینش تشهیر و سپس نفی بلد شود» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۱۰).

صاحب جواهر نیز بعد از ذکر این نکته که نصّ خاصی درباره‌ی تعیین مجازات تشهیر برای قوآد موجود نیست، شهرت این فتوا در میان اصحاب، از جمله ابن ادریس را که به خبر واحد عمل نمی‌کند، دلیل صحّت حکم فوق دانسته و همچنین از «انتصار» (سید مرتضی، ۱۴۱۵، ۵۱۵) و «غنیه» (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷، ۴۲۷) برای صحّت آن، اجماع ذکر می‌کند (جواهر الکلام، ۴۱، ۴۰۰).

از دیگر موافقین مجازات تشهیر برای قوآد می‌توان به فقهای عظام زیر اشاره نمود:

شیخ مفید در «المقنعه» (۷۹۱)، علامه حلی در «قواعد الاحکام» (۳، ۵۳۹)، ابن ادریس در «سرائر» (۳، ۴۵۴)، محقق حلی در «شرائع الاسلام» (۴، ۱۴۹)، ابن زهره در «غنیه النزوع» (۴۲۷)، قاضی ابن برّاج در «المهذب» (۲، ۵۳۴)، شهید اول در «لمعه» (۲۵۷)، شهید ثانی در «الروضه» (۹، ۱۶۴) و صمیرمی در «غایه المرام» (۴، ۳۲۹).

در میان معاصرین نیز آیت الله بهجت حلق رأس و اشهار قوآد را احوط می‌داند (جامع المسائل، ۵،

۲۹۵).

۱ - به نظر می‌رسد اول فقیه امامیه که مجازات تشهیر و حلق را برای قوآد ثابت دانسته است شیخ مفید در «المقنعه» (۷۹۱، باب ۵) بوده است و پس از ایشان شیخ طوسی در «النهایه» (۷۱۰) این نظر را مطرح کرده است. سایر فقها به پیروی از نظر شیخان مجازات تشهیر و حلق را جزو تعزیرات لازم برای قوآد دانسته اند.

۴-۱-۳- اجرای تشهیر در مورد قاذف^۱

بر اساس احادیث مربوط به حدّ قاذف که در کتب معتبر امامیه ذکر شده‌اند، حدّ قاذف هشتاد تازیانه می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ۷، ۲۰۵؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۴، ۴۱۸؛ طوسی، ۱۳۹۰، ۴، ۲۲۷ و ۳، ۳۸-۳۶؛ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۸، ۱۷۳).

بنابراین هیچ نصّی در اثبات مجازات تشهیر برای قاذف موجود نیست و در کتب برخی فقها، به خصوص در میان متقدمین، صراحتی بر لزوم یا جواز مجازات تشهیر برای قاذف به چشم نمی‌خورد. ابن زهره در باب حدّ قذف می‌گوید: «حدّ قذف به دلیل اجماع طائفه و آیه شریفه ۴ و ۵ سوره‌ی نور ۸۰ تازیانه است» (غنیه، ۴۲۷).

ابن برّاج نیز در مورد قذف نامی از مجازات تشهیر نبرده است (المهذب، ۲، ۵۴۶). طبرسی در «مؤتلف» (۲، ۳۹۹) نیز بر همین نظر است.

در میان معاصرین نیز، قول آیت الله خویی موافق نظر فقهای مذکور است (ن.ک: مبانی تکلمه المنهاج، ۴۱، ۳۱۹). همچنین، فاضل لنکرانی با ذکر لفظ «فتدبّر» در صحت تنفیح مناط بین شاهد زور و قاذف و تسرّی مجازات تشهیر به قاذف، تردید می‌کند (تفصیل الشریعه، ۲۹۲).

اما در مقابل، برخی از فقها با بیان استدلال متقن، مجازات تشهیر را برای قاذف نیز ثابت می‌دانند. ابن فهد مجازات تشهیر را در سه موضع ثابت می‌داند: شهادت زور، قیادت و قذف (مهذب البارع، ۵، ۶۴).

علّامه حلّی نیز در «قواعد الاحکام» (۳، ۵۴۷) و «إرشاد الاذهان» (۲، ۱۷۶)، مجازات تشهیر را برای قاذف ثابت می‌داند.

صاحب کتاب «کشف اللثام» هم می‌نویسد: «قاذف تشهیر می‌شود یعنی مردم به حالش آگاه می‌شوند تا از شهادتش اجتناب کنند همان طور که شاهد کذب تشهیر می‌شود، به خاطر اشتراک علت در آن دو» (اصفهانی، ۱۴۱۶، ۱۰، ۵۳۷).

صاحب جواهر نیز با همین استدلال، تشهیر قاذف را واجب می‌داند (جواهر الکلام، ۴۱، ۴۳۰).

۱ - قذف: "هو الرمی بالزنا أو اللواط": قذف به معنی نسبت دادن زنا یا لواط به کسی است. فاعل فعل قذف را قاذف می‌گویند (محقّق حلّی، ۱۴۰۸، ۴، ۱۴۹؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۴۱، ۴۰۲).

همچنین، آیت الله گلپایگانی در «درر المنضود» می‌گوید: «تشهیر قاذف به واسطه ی حکمتی است که آن این است که: مردم او را بشناسند که بر خلاف شرع حرف می‌زند، تا به حرفهایش اعتبار ندهند» (۲۳۲). ایشان در مورد این که چه طور می‌شود بدون وجود نص، بر این مسأله حکم داد، می‌گوید: «به واسطه ی تنفیج مناط و وحدت ملاک بین شاهد زور و قاذف می‌توان مجازات تشهیر را برای قاذف نیز ثابت دانست» (همان).

۴-۱-۴- اجرای تشهیر در مورد محتال (کلاهبردار)^۱

مشهور فقها تشهیر محتال را شایسته یا ضروری می‌دانند شیخ طوسی می‌گوید: «واجب است کلاهبردار مجازات و تأدیب شود و مالی را که گرفته غرامت دهد، شایسته است حاکم او را به عقوبت آن چه انجام داده، تشهیر کند، تا دیگران در آینده از انجام این عمل خودداری کنند» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۲۲).

از دیگر فقهای موافق با تشهیر محتال می‌توان به: شیخ مفید در «المقنعه» (۸۰۵)، علامه حلی در «تحریر الاحکام» (۳۸۳/۵ - ۳۸۴) و ابن ادریس در «سرائر» (۳، ۵۱۲) اشاره کرد.

۴-۱-۵- اجرای تشهیر در مورد مفلس (ورشکسته)^۲

حلی در «کافی»، اشهار مفلس را بر حاکم لازم می‌داند و دلیل آن را شناساندن وی به مردم بیان می‌کند (کافی فی الفقه، ۳۴۱). ابن زهره نیز، بعد از ذکر لزوم تشهیر مفلس، برای آن ادعای اجماع می‌نماید: «و علی الحاکم اشهار المفلس بدلیل اجماع لیعرف، فلا یعامل الا من رضی یاسقاط دعواه علیه: بر حاکم اشهار مفلس واجب است به دلیل اجماع، تا مردم او را بشناسند و با او معامله نکنند مگر کسی که راضی به اسقاط دعوی علیه اوست» (غنیه، ۲۵۰).

۱ - "محتال علی الاموال الناس بالمکر و الخدیعه و تزویر الکتب و الشهادت الزور والرّسالات الکاذبه و غیر ذلک!" محتال (کسی است که) به وسیله حیل و نیرنگ و نوشته های دروغین و شهادت دروغ، به مال مردم دست پیدا کند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۲۱). به عبارتی، محتال یعنی کلاهبردار.

۲ - مفلس: "من رکتبه الدیون و ماله لا یفی بقضاءها!" مفلس کسی است که دیونی دارد و مالش کفاف پرداخت آن ها را نمی‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۳، ۲۶۱).

همچنین کلیدری در «اصباح الشیعه» (۲۹۵) و سبزواری در «جامع الخلاف» (۳۰۶) بر این نظرند.

۴-۲- بررسی کیفیت اجرای تشهیر

۴-۲-۱- در مورد شاهد زور

در مورد تشهیر شاهد زور، علامه حلی در «تحریر الاحکام» می‌گوید: «تشهیر شاهد زور بین قبیله‌اش واجب است تا حالش شناخته شود» (۲، ۲۱۹).

صاحب «ریاض» نیز تشهیر شاهد زور را در سرزمین و اطراف سرزمینش می‌داند (حائری، ۱۴۱۸، ۱۵، ۴۳۱).

شیخ الطائفه نیز در این باره می‌گوید: «کیفیت تشهیر شاهد زور به این صورت است که در قبیله یا مسجد یا بازار محل رفت و آمدش و مانند اینها، ندا دهند به اینکه شاهد زور است و بدین وسیله او را به مردم بشناسانند و نباید سرش را بتراشند یا سواره دورش دهند. همچنین صحیح نیست خودش علیه خودش حرفی بزند».

شافعی هم بر همین نظر است (الخلاف، ۲، ۶۰۱). ابن ادریس نیز مشابه همین نظر را در کتابش ذکر کرده است (السرائر، ۲، ۱۰۵).

صاحب کتاب «مهذب البارع» هم در این باره می‌گوید: «شهرت شاهد زور به این است که او را در محافل مردم مانند بازارها، بگردانند تا مردم او را ببینند و از دوستی با او بر حذر شوند تا زنان و فرزندانشان فاسد نشوند» (حلی، ۱۴۰۷، ۵، ۶۴).

۴-۲-۲- در مورد قواد

در زمینه‌ی اجرای تشهیر قواد، مشهور فقها متفق القول‌اند که قواد اگر مرد باشد موی سرش تراشیده می‌شود و سپس در سرزمینی که جرم را در آنجا مرتکب شده و اطراف آن سرزمین، گردانده می‌شود تا مردم او را ببینند و عبرت گیرند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۱۰؛ ابن برآج، ۲، ۵۳۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۷۹۱؛ سید مرتضی، ۱۴۱۵، ۵۱۵؛ حلبی، ۱۴۱۷، ۴۲۷). برخی فقها نیز توضیحی برای کیفیت تشهیر قواد ذکر نکرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳، ۵۳۶؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۵۷؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۴۱، ۴۰۰).

۴-۲-۳- در مورد قاذف

در مورد قاذف با وجود وحدت ملاک با شاهد زور و نظر به شباهت موجود بین این دو جرم، ظاهراً کیفیت تشهیر باید مشابه تشهیر شاهد زور باشد.

فاضل هندی، تشهیر قاذف را به خاطر اشتراک علت، مانند تشهیر شاهد زور می‌داند (کشف اللثام، ۱۰، ۵۷۳). صاحب جواهر نیز بر همین نظر است (جواهر الکلام، ۴۱، ۴۳۰).

۴-۲-۴- در مورد محتال و مفلس

در توضیح کیفیت تشهیر محتال و مفلس، نکته‌ی خاصی در کتب فقهی ذکر نگردیده است و عموماً به ذکر این نکته که تشهیر آنها جهت شناساندن به مردم است و این که باید در سرزمین و اطرافش یا در قبیله و بازار شناسانده شوند اکتفا نموده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۲۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳، ۵۱۲، حلبی، ۱۴۰۳، ۳۴۱؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۲۵۰؛ کلیدری، ۱۴۱۶، ۲۹۵؛ سبزواری، ۱۴۲۱، ۳۰۶).

به نظر می‌رسد، در این زمینه باید به فلسفه‌ی اجرای تشهیر رجوع کرد. همان طور که برای جرمی مانند قیادت یا شهادت کذب که فلسفه‌ی اجرای تشهیر برای فاعل آنها، عبرت گرفتن دیگران و تنبیه و تأدیب شخص قواد یا شاهد کذب است، گرداندن در کوی و برزن و ندا دادن علیه مجرم شرط است. در واقع، اگرچه تشهیر توأم با استخفاف است؛ ولیکن در مورد مفلس که تشهیرش فقط برای شناساندن او به مردم است، استخفاف مجرم شرط نیست، شاید فقط صرف معرفی او به مردم حتی بدون گرداندنش در جمع، برای تشهیر کفایت کند.

۵- فلسفه‌ی اجرای تشهیر

همانگونه که قبلاً ذکر شد، تشهیر یکی از انواع مجازات‌های تعزیری است که فلسفه‌ی این گونه مجازات‌ها، تأدیب خطا کار و بازدارندگی مجرم و سایرین از تکرار جرم است.

خداوند در سوره‌ی شریفه‌ی نمل می‌فرماید: «قل سیروا فی الارض فانظر کیف کان عاقبه المجرمین: بگو در زمین بگردید و ببینید عاقبت خطاکاران چگونه بوده است» (نمل، ۶۹). این آیه مسلمانان را به عبرت گرفتن از سرنوشت خطاکاران دعوت می‌کند. به نظر می‌رسد مجازات تشهیر به دلایل زیر نقش

بسیار مؤثری در تأدیب خطاکار و بازدارندگی - که مهمترین دلایل وضع مجازات‌های تعزیری هستند - دارد، زیرا با اجرای این مجازات در جرایم خاص:

(۱) با شناخته‌شدن مجرم، از شیوع جرم به وسیله ی وی با سوء استفاده از ناآگاهی دیگران جلوگیری می‌شود.

(۲) با تبعات اجتماعی ویژه‌ای که برای مجرم دارد در اکثر موارد موجب شرمساری مجرم و اجتناب وی از ارتکاب مجدد جرم می‌شود.

(۳) باعث عبرت‌گرفتن دیگران و در نتیجه کاهش میزان ارتکاب جرم مورد نظر میان سایرین می‌شود.

۵-۱- فلسفه‌ی تشهیر قوآد

همچنان که پیشتر نیز گفته شد، فقها تشهیر قوآد را مختص به مردان می‌دانند و معتقدند زن قوآد تشهیر نمی‌شود. در خصوص فلسفه‌ی اختصاص تشهیر به مردان شهید ثانی در «روضه البهیة» گوید: «عدم نفی البلد و تشهیر زن قوآد به واسطه‌ی اصل و منافات نفی و تشهیر با ستر و پوشش زن است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۹، ۱۶۵). صاحب جواهر نیز فتوی و روایات مربوط به تشهیر را مختص مردان می‌داند و نفی و تشهیر را در منافات با آنچه برای زن واجب‌المراعات است می‌داند (جواهر الکلام، ۴۱، ۴۰۱ - ۴۰۲).

از دیگر فقهایی که معتقدند مجازات تشهیر ویژه‌ی مردان است و زنان تشهیر نمی‌شوند می‌توان به: شیخ طوسی در «النهایه» (۷۱۰)، محقق حلی در «شرائع» (۴، ۱۴۹)، علامه حلی در «قواعد الاحکام» (۳، ۵۳۹)، همو در «ارشاد الازهان» (۲، ۱۸۷)، ابن برآج در «مهذب» (۲، ۵۳۴)، شهید اول در «لمعه» (۲۵۷)، شهید ثانی در «الروضه» (۹، ۱۶۵)، صاحب جواهر در «جواهر» (۴۱، ۴۰۱) و خویی در «مبانی تکمله المنهاج» (۴۱، ۳۰۴) اشاره نمود.

اما در این زمینه محقق اردبیلی در «مجمع الفائده» ذیل نظر علامه که می‌فرماید: «زنان قوآد از حلق و شهرت، مستثنی می‌شوند» می‌گوید: «استثناء کردن زن از نفی و حلق (که در مورد زن جرّ نامیده می‌شود) و تشهیر، به دلیل نیاز دارد. مگر اینکه بگوییم به واسطه‌ی اصل عدم مجازات و عدم وجود اجماع در مورد زن برای ثبوت مجازات، زن از این مجازات‌ها استثناء می‌شود» (۱۳، ۱۲۷ - ۱۲۶). باین تفصیل به نظر می‌رسد ایشان به نوعی در اختصاص تشهیر به مردان تشکیک می‌نمایند.

۵-۲- فلسفه‌ی تشهیر شاهد زور

فلسفه‌ی تشهیر در مورد شهادت کذب این است که:

- (۱) شاهد زور به مردم شناسانده شود تا مردم از شهادتش اجتناب نمایند.
- (۲) دیگران نیز با دیدن این مجازات، عبرت گیرند و در آینده از ادای شهادت دروغ خودداری نمایند.
- (۳) خود شاهد زور در آینده جرمش را تکرار نکند(ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳، ۵۲۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ۲، ۲۱۹؛ ابن برآج، ۱۴۰۶، ۲، ۵۶۴؛ حائری، ۱۴۱۸، ۱۵، ۴۳۱).

۵-۳- فلسفه‌ی تشهیر قاذف

فلسفه‌ی تشهیر قاذف نیز، شناساندن او به مردم است، تا قولش در مورد دیگران پذیرفته نشود و در مورد دیگران باعث آبروریزی و از چشم افتادنشان نشود (گلپایگانی، ۱۴۱۲، ۳۲۰).

۵-۴- فلسفه‌ی تشهیر محتال

تشهیر محتال به این سبب است که:

- (۱) مردم از او برحذر باشند.
- (۲) شخص محتال تخفیف شده و در آینده جرمش را تکرار نکند.
- (۳) برای دیگران عبرتی شود تا از این جرم اجتناب کنند(شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۱۰؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۵۱۲/۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۸۰۵).

۵-۵- فلسفه‌ی تشهیر مفلس

تشهیر مفلس صرفاً برای شناساندن او به مردم صورت می‌گیرد تا با او معامله نکنند و اگر هم معامله کردند، با علم به افلاس وی باشد تا بعداً دعوی علیه او نداشته باشند(کلیدری، ۱۴۱۶، ۲۹؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۲۰۵).

۶- کیفیت تشهیر در عصر حاضر

امروزه در کشور ما مجازات تشهیر به یک مسأله‌ی کثیر البلوی بدل شده که نظرات مختلفی درباره‌ی مصادیق و کیفیت اجرای آن مطرح می‌شود و علاوه بر بحث‌های فقهی که حول محور این مجازات مطرح شده، حقوق دانان و جامعه شناسان نیز در این زمینه به گمانه زنی پرداخته‌اند.

مهمترین سؤالاتی که در این زمینه به ذهن می‌رسد این است که:

(۱) آیا تشهیر محدود به جرم‌های خاص^۱ است، یا می‌توان در مورد سایر جرایم نیز از این مجازات تعزیری استفاده نمود؟

(۲) آیا با وجود گسترش جوامع و ظهور امکانات پیشرفته ارتباط جمعی و تغییر نوع ارتباطات بین فردی و اجتماعی لزومی به اجرای تشهیر به شکل سنتی و منصوص آن (یعنی گرداندن مجرم در شهر و اطرافش) می‌باشد یا می‌توان کیفیت اجرای آن را تغییر داده و با استفاده از رسانه‌های جدید آن را انجام داد؟

به سؤالات مذکور پاسخ‌های متفاوتی داده شده است که ادامه‌ی بحث را با بررسی این پاسخ‌ها پی می‌گیریم.

۶-۱- دیدگاه‌های موجود درباره‌ی موارد اجرای تشهیر در عصر حاضر

در این زمینه سه دیدگاه قابل طرح است:

اول: دیدگاه موافقین گسترش موارد اجرای تشهیر

دوم: دیدگاه مخالفین گسترش موارد اجرای تشهیر

سوم: دیدگاه میانه

۶-۱-۱- دیدگاه موافقین گسترش موارد اجرای تشهیر

طرفداران این دیدگاه معتقدند از آن جا که تشهیر نوعی از مجازات تعزیری است و فلسفه‌ی مجازات تعزیری هم تأدیب مجرم و بازدارندگی است، قاضی می‌تواند در هر جرمی که به نظر برسد تشهیر می‌تواند جنبه‌ی بازدارندگی آن را تقویت کند، از این مجازات استفاده کند. بنابراین، تشهیر مفسدان اقتصادی،

۱. منظور (شهادت زور، کذف، قیادت، کلاهبرداری، افلاس) است که در منابع فقهی آمده است.

مجرمین جرایم منافی عفت و تجاوز به عنف نیز با وجود فقدان نص صحیح است. در واقع همان طور که با تعمیم علت و تنقیح مناط حکم به کیفر تشهیر جرایمی مشابه شاهد زور داده شده است می‌توان با همین استدلال در مورد جرایمی که مربوط به حقوق الناس هستند و لزوم سخت گیری بیشتری در آنها احساس می‌شود، حکم به کیفر تشهیر داد.

این دیدگاه در میان حقوق دانان و مسؤولین قضایی طرفدارانی دارد.

آیت الله شاهرودی می‌گوید: «به نظر من مجازات شلاق بهترین مجازات است چون فقط نسبت به خود مجرم انجام می‌شود و خانواده‌اش تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. مخصوصاً اگر با تشهیر توأم شود زیرا اثر بازدارندگی اش بیشتر می‌شود» (روزنامه اعتماد، شماره ۱۷۰۹). ایشان همچنین تشهیر مفسدان اقتصادی را کمک به تنویر افکار عمومی و عامل پیشگیری و مهار فساد در جامعه می‌داند (جام جم آنلاین، کد مطلب ۱۰۰۰۰۴۱۷۰۶۶۵).

۶-۱-۲- دیدگاه مخالفین گسترش موارد اجرای تشهیر

این گروه موارد اجرای تشهیر را محدود به موارد خاص می‌دانند و گسترش دایره‌ی مجازات تشهیر را به جرایم دیگر نمی‌پذیرند.

صاحب کتاب «فقه الحدود و التّغزیرات» در اختصاص مجازات تشهیر به جرم‌ها تا آنجا احتیاط می‌کند که حتی نظر مشهور در اختصاص مجازات تشهیر به قاذف را ضعیف می‌داند، وی می‌گوید: «آن چه صاحب جواهر به استناد اشتراک علت بین قاذف و شاهد زور، در لزوم تشهیر قاذف گفته است قیاس و ضعیف است» (اردبیلی، ۱۴۲۷، ۲، ۴۰۰).

طیبی نیز در کتابش موارد تشهیر را محدود به پنج مورد می‌داند (موارد السّجن فی النّصوص، ۲۰۱، ۲۰۵). خوانساری هم در «جامع المدارک» می‌گوید اگر به نصوص اکتفا کنیم وجوب تشهیر شاهد زور مختص به عصر معصوم می‌باشد (خوانساری، ۱۴۰۵، ۶، ۱۶۲).

۶-۱-۳- دیدگاه میانه

از منظر عقلی در مورد برخی جرایم نوظهور، اعمال کیفر تشهیر جهت حفظ نظام اجتماعی و برقراری آرامش و نظم عمومی، سودمند است.

از طرفی اعمال بی رویه‌ی این مجازات پیامدهای منفی مانند جری شدن مجرمین یا از بین رفتن قبح برخی جرایم را نیز در پی دارد و با توجه به نوع خاص این مجازات که تبعات گسترده‌ی اجتماعی دارد تبعاتی که حتی خانواده‌ی مجرم را نیز تحت الشعاع قرار می دهد، باید توجه داشت که گسترش موارد اجرای تشهیر باید بسیار دقیق و حساب شده باشد.

به طور کلی از آنجا که این مجازات ریشه در فقه اسلامی دارد، در صورت تدوین قوانین جدید در این زمینه نباید نصوص معتبر فقهی را دور از نظر داشت و نهایتاً گسترش دایره‌ی اجرای تشهیر، باید در پرتو رجوع به روایات موجود در این زمینه و تنقیح مناط باشد.

بنابراین، اگر بخواهیم با استناد به پویایی فقه و ظهور جرایم جدید در عصر کنونی دایره‌ی اجرای تشهیر را گسترش دهیم، تنها می توان در مورد جرایم خاص مانند فساد اقتصادی که شباهت زیادی با جرم احتیال دارد، این مجازات را قابل تعمیم دانست، اجرای این مجازات در مورد سایر مجرمین از جمله اراذل و اوباش و یا متهمانی که هنوز جرم آنها به اثبات نرسیده است صحیح به نظر نمی رسد.

۶-۲- کیفیت اجرای تشهیر در عصر حاضر

پر واضح است در عصر حاضر که دامنه‌ی جوامع بشری بسیار وسیع شده و کلان‌شهرها جایگزین شهرهای کوچک شده‌اند و با پیشرفت تکنولوژی، وسایل ارتباطی و رسانه‌های الکترونیک تا آنجا گسترده شده‌اند که جهان به دهکده‌ی جهانی مبدل گشته است، محدود کردن مجازات تشهیر به شیوه‌ی سنتی و آن گونه که در فقه بیان شده، کاری دشوار و گاه غیر ممکن است. علاوه بر این، گسترش دامنه‌ی جرایم در سطح ملی و گاه بین‌المللی، به ویژه جرایم اقتصادی مانند کلاهبرداری که تشهیر در آنها کاربرد بیشتری دارد، ما را بر این عقیده که می بایست از تشهیر رسانه‌ی استفاده نمود و تشهیر به شیوه‌ی سنتی آن کارآمد نیست و با فلسفه‌ی تشهیر نیز منافات دارد، استوارتر می سازد.

بنابراین، امروزه در مورد بسیاری از جرایم با در نظر گرفتن فلسفه‌ی اصلی تشهیر که همانا شناساندن مجرم به سایرین جهت جلوگیری از تکرار جرم و تحذیر مردم از وی است، استفاده از رسانه‌های نوین و جرایم جهت تشهیر مجرم، نه تنها مجاز بلکه گاهی ضروری به نظر می‌رسد.

در این زمینه در کنار سکوت بسیاری از فقهای معاصر برخی از ایشان نظر موافق خود را اعلام کرده-

اند.

نجم الدین طبسی در «نفی و تغریب»، اعلام در روزنامه‌ها و جراید و تلویزیون را بر حسب مصلحت حاکم از وسایل امروزی تشهیر می‌داند (طبسی، بی‌تا، ۱۲۷).

آیت‌الله منتظری معتقد است که تشهیر به طور طبیعی تحقیر متهم را در خود نهفته دارد، حال فرقی ندارد که از چه طریقی باشد (مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۸۲). ایشان همچنین می‌گوید: شاید بتوان عمل تشهیر در زمان حاضر با بودن وسایلی مانند تلویزیون، روزنامه و غیره که می‌توان شخص مورد نظر و مجرم را هم به طور زنده از طریق تلویزیون و هم به گونه‌ی صامت از طریق چاپ عکس او در روزنامه‌ها در سطح وسیعی به همگان معرفی کرد، یا این که می‌توان او را از طریق ظاهر ساختن در صفحه‌ی تلویزیون و انجام مصاحبه و پخش اعترافاتش «تشهیر» نمود را با استفاده از این رسانه‌ها انجام داد (همان).

۷- بررسی تشهیر در حقوق و قوانین موضوعه ایران

اگر در زمان‌های گذشته، به اعلام و جار زدن جرم محکوم علیه، تراشیدن سر، گرداندن او در شهر و اماکن عمومی و ... متوسل می‌شده‌اند، حقوق امروزی نیز ابایی در لطمه زدن به شهرت و مفتضح کردن فرد مجرم ندارد. با این تفاوت که در حال حاضر حقوق جزای امروزی، به اعلان و وسایل اطلاع رسانی عمومی که شامل چاپ از طریق درج در روزنامه‌ها و پخش از طریق رسانه‌های سمعی- بصری (مثل رادیو و تلویزیون) می‌شود، متوسل می‌گردد (بولک، ۱۳۸۵، ۷۲).

امروزه، مجازات اعلان و انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه‌ها (تشهیر رسانه‌ای)، اگرچه از جنبه کیفر شناختی داراری معایب و ایراداتی از جمله؛ منافات داشتن با کرامت انسانی، منافات با اصل شخصی بودن مجازات‌ها، منافات با حریم خصوصی، قبح زدایی از جرم، قهرمان سازی، رواج عوام‌گرایی کیفری، گسترش ابتذال رسانه‌ای، ایجاد سوء سابقه نا نوشته، ناکارآمدی، بدآموزی، فساد اخلاق اجتماعی و سلب اعتماد عمومی می‌باشد (حیدری، ۱۳۹۲، ۱۳۹-۱۴۹)، ولیکن یکی از مجازات‌های متداول موجود در زرادخانه کیفری بسیاری از کشورها محسوب می‌گردد.

به عقیده کیفرشناسان، اعلان و نشر یک حکم محکومیت، در قلمرو حقوق کار، حقوق اقتصادی، حقوق مصرف و مطمئناً در سایر بخش‌ها بسیار مفید است. زیرا شهروندان را از جرم ارتكابی مطلع و اشخاص ثالث را تشویق به احتیاط بیشتری می‌کند، یک تبلیغ متقابل (ضد تبلیغ) است که بزهکاران حرفه‌ای راضی به آن نیستند و بالأخره اینکه، توجه مردم را به نقض قانون و ضمانت اجرای اعمالی جلب می‌-

کند. چنین اقدامی برای جامعه، گران تمام نمی شود در صورتی که برای محکوم دارای هزینه بوده و گران است. معذلتک این اقدام، نباید زیاد مورد حکم قرار گیرد زیرا فایده آن در مقابل مردم از بین می رود (بولک، ۱۳۸۵، ۷۲ و ۷۳).

مطالعات و بررسی های صورت گرفته در نظام حقوقی ایران حکایت از آن دارد که قانونگذار در قانون اساسی که «آزادی و کرامت انسانی بشر را سر لوحه اهداف خود» می داند، مقررات حمایتی مختلفی در ارتباط با موضوع کرامت انسانی پیش بینی نموده است (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷، ۷۹-۸۳). از جمله اینکه، تعرض به حیثیت اشخاص در غیر مواردی که قانون تجویز می نماید، جایز نمی باشد. اصل بیست و دوم قانون اساسی بیان می دارد: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». همچنین، بر طبق اصل سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

در واقع، بر اساس موضع قانون اساسی که در راستای آیات شریفه قرآن، روایات معصومین علیهم السلام و اصول عام فقهی است، اصل اولیه بر حرمت و حفظ حیثیت افراد و حتی محکومین می باشد مگر در جایی که قانون تجویز کند. یکی از این موارد تجویز که در قوانین کیفری بدان اشاره شده، مجازات تشهیر یا به عبارتی رسوا کردن قضایی محکوم علیه نزد مردم می باشد.

در ادامه بحث، به بررسی قوانین موضوعه ایران از باب موارد تجویز و کاربرد مجازات تشهیر و مباحث مرتبط با آن در ذیل سه بند؛ ابتدا قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)، سپس قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴) و در نهایت سایر قوانین می پردازیم.

۷-۱- تشهیر در قانون مجازات اسلامی

مجازات تشهیر از جمله مجازات های پذیرفته شده در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) می باشد. در این قانون، مجازات تشهیر در قالب مجازات اصلی و تکمیلی به صورت الزامی و اختیاری هم برای اشخاص حقیقی و هم برای اشخاص حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است. در ادامه به بررسی و کنکاش جزئیات این مجازات در قانون مذکور، در سه باب حدود، قصاص و تعزیرات می پردازیم.

۷-۱-۱- حدود

مطابق مباحث پیش‌گفته، از نظر مشهور فقها، مجازات تشهیر از میان جرایم حدّی در خصوص قاذف و قوآد اجرا می‌شود. با این حال و اگرچه قوانین جزایی ما به ویژه قانون مجازات اسلامی غالباً بر گرفته از فقه اسلامی و منطبق با نظرات مشهور فقهای امامیه تهیه و تدوین می‌شود، ولیکن مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که این موضوع در خصوص مجازات تشهیر در باب حدود چندان هم صادق نیست.

در خصوص قوآدی، در مقررات مربوط به این حد در قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۴۲ - ۲۴۴)، سخنی از تشهیر قوآد گفته نشده است. ماده ۲۴۳ قانون مذکور در باب مجازات قوآد بیان می‌دارد: «حدّ قوآدی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدّت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است». مشاهده می‌شود، در این ماده اگرچه علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان مجازات حد، تعزیر تبعید تا یک سال نیز برای مرد قوآد پیش‌بینی شده است، ولیکن از مجازات تشهیر خبری نیست. این در حالی است که مشهور فقها متفق القول‌اند، قوآد اگر مرد باشد موی سرش تراشیده می‌شود و سپس در سرزمینی که جرم را در آنجا مرتکب شده و اطراف آن سرزمین، گردانده می‌شود تا مردم او را ببینند و عبرت گیرند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۱۰؛ ابن‌برّاج، ۱۴۰۶، ۲، ۵۳۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۷۹۱؛ سیّد مرتضی، ۱۴۱۵، ۵۱۵؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۷، ۴۲۷).

در خصوص قاذف نیز، در مقررات مربوط به این حد در قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۴۵ - ۲۶۱)، هیچ اشاره‌ای به مجازات تشهیر نشده است. برابر ماده‌ی ۲۵۰ این قانون: «حدّ قذف، هشتاد ضربه شلاق است». در واقع، قانونگذار در این قانون، بر خلاف نظر برخی از فقها که با بیان استدلال‌ات متقن و به واسطه تنفیح مناط و وحدت ملاک بین شاهد زور و قاذف، مجازات تشهیر را برای قاذف نیز ثابت می‌دانند (جواهر الکلام، ۴۱، ۴۳۰)، از نظر برخی دیگر از فقها به ویژه متقدمین که معتقدند صراحتی بر لزوم یا جواز مجازات تشهیر برای قاذف وجود ندارد (مبانی تکلمه المنهاج، ۴۱، ۳۱۹)، پیروی نموده است.

با این حال، قانون‌گذار ایرانی در پاره‌ای از جرایم حدّی مجازات تشهیر را پیش‌بینی نموده است. از جمله ماده‌ی ۲۲۹ قانون مجازات اسلامی که نوع خاصی از تشهیر یعنی تراشیدن موی سر را که از انواع مجازات‌های بدنی در سیستم کیفری اسلام به شمار می‌رود (صلاحی، ۱۳۸۶، ۱۰۰ و ۱۰۱)، به عنوان یک

مجازات اصلی مورد شناسایی قرار داده است. مطابق مقررہ مذکور: «مردی که همسر دائم دارد، هر گاه قبل از دخول، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است». این نوع تشهیر، مختص همین ماده بوده و در قانون مجازات اسلامی در خصوص کاربرد آن در سایر جرایم اعم از حدی و تعزیری سخنی به میان نیامده است.

نمونه دیگر کاربرد مجازات تشهیر در جرایم حدی در قانون مجازات اسلامی، ماده‌ی ۳۶ این قانون است. در این ماده، قانون گذار در خصوص جرایم موجب حد محاربه و افساد فی الارض نوعی تشهیر مشروط را مورد شناسایی قرار داده است. مطابق مقررہ ی مذکور: «حکم محکومیت قطعی در جرایم موجب حد محاربه و افساد فی الارض... در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می شود». در این خصوص ذکر این نکته ضروری است که مطابق نظریه‌ی شماره ی ۷/۹۲/۱۶۲۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۱ اداره کل حقوقی قوهی قضائیه: «نظر به اینکه انتشار محکومیت‌های مذکور در ماده‌ی ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مشروط به این است که موجب اخلال در نظم و امنیت نباشد و چون تشخیص موضوع با دادگاه است، لاجرم انتشار آن در روزنامه باید به دستور دادگاه باشد» (شاه حیدری پور، ۱۳۹۴، ۱۸).

در نهایت اینکه، طبق بند (س) ماده ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می تواند فردی را که به حد محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به عنوان مجازات تکمیلی به «انتشار حکم محکومیت قطعی» نیز محکوم نماید. بر اساس مفاد مقررہ مذکور، این نوع تشهیر که یک مجازات تکمیلی محسوب می شود، مختص به نوع خاصی از حدود نمی باشد. زیرا، کلمه «حد» در این ماده به صورت کلی و مطلق به کار رفته است. بدین سان قانون گذار دست قاضی را برای استفاده از این نوع تشهیر در همه‌ی جرایم حدی باز گذاشته است.

۷-۱-۲- قصاص

در باب قصاص نیز، قانونگذار ایرانی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نوعی مجازات تشهیر را به عنوان یک مجازات تکمیلی مورد شناسایی قرار داده است. طبق حکم مندرج در ماده‌ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه می تواند فردی را که به ... قصاص ... محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر

محکوم نماید». از جمله مجازات‌های تکمیلی مندرج در ذیل این ماده، «انتشار حکم محکومیت قطعی» مطابق بند (س) است. این مجازات که نوعی تشهیر اختیاری محسوب می‌شود - چرا که قانونگذار محکومیت به آن را از اختیارات دادگاه دانسته است - بر اساس مفاد مقرر مذكور که در آن کلمه «قصاص» به صورت کلی و مطلق به کار رفته، هم می‌تواند در خصوص محکومین به قصاص نفس و هم در خصوص محکومین به قصاص عضو به کار گرفته شود.

۷-۱-۳- تعزیرات

جایگاه و کاربرد مجازات تشهیر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرایم تعزیری نسبت به جرایم مستوجب حد و قصاص بسیار پر رنگ‌تر است و گستره شمول آن بسیار وسیع بوده و قاضی می‌تواند این مجازات را هم به عنوان یک مجازات اصلی تعزیری و هم به عنوان یک مجازات تکمیلی در خصوص بسیاری از محکومین به جرایم تعزیری به کار گیرد.

قانون گذار ایرانی به موجب ماده ی ۱۹ قانون مجازات اسلامی که مجازات های تعزیری را به هشت درجه تقسیم می‌کند، «انتشار حکم قطعی در رسانه ها» که نوعی تشهیر محسوب می‌شود را به عنوان یکی از مجازات های تعزیری درجه شش به رسمیت شناخته است.

در این قانون، مجازات تشهیر برای اشخاص حقوقی نیز پذیرفته شده است. در ماده ی ۲۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: «در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده ی (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود...»، که از جمله این موارد که در بند (چ) بدان اشاره شده، «انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها» می‌باشد.

همچنین، تشهیر از طریق «انتشار حکم محکومیت قطعی» به عنوان یک مجازات تکمیلی به موجب بند (س) ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، می‌تواند در خصوص فردی که دادگاه وی را به مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به موقع اجرا در آید.

به علاوه، مطابق ماده ی ۳۶ این قانون: «حکم محکومیت قطعی در جرایم موجب ... تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم

یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود». در واقع، این محکومیت نوعی تشهیر مشروط است و تنها زمانی اعمال و اجرا می‌شود که اولاً حکم محکومیت قطعی مربوط به جرایم موجب تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال باشد و ثانیاً موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد.

لازم به ذکر است همچنان که پیشتر نیز گفته شد، مشهور فقها تشهیر محتال (کلاهبرداری) را شایسته یا ضروری می‌دانند و معتقدند، تشهیر محتال (کلاهبرداری) جهت شناساندن وی به مردم است و این فرد باید در سرزمین و اطرافش یا در قبیله و بازار شناسانده شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۲۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۸۰۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳، ۵۱۲، حلبی، ۱۴۰۳، ۳۴۱؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۲۵۰؛ کلیدری، ۱۴۱۶، ۲۹۵؛ سبزواری، ۱۴۲۱، ۳۰۶).

در مقام مقایسه موضع قانون‌گذار ایرانی در ماده‌ی ۳۶ قانون مجازات اسلامی و آنچه در بین فقها در خصوص تشهیر محتال (کلاهبرداری) مشهور است می‌توان گفت که، اگر چه قانونگذار ایرانی به تبعیت از نظر فقها مجازات تشهیر در خصوص کلاهبرداری را به رسمیت شناخته است ولیکن تشهیر وی را منوط به دو امر نموده؛ اول اینکه، کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد و دوم اینکه، انتشار حکم محکومیت قطعی وی موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد. این در حالی است که به عقیده فقها، تشهیر محتال منوط به هیچ شرطی نمی‌باشد. فلذا، این چنین می‌توان نتیجه گرفت که گستره تشهیر کلاهبرداری در قانون مورد بحث بسیار کمتر از گستره تشهیر محتال در فقه است.

نمونه‌ی دیگر تشهیر در قانون مجازات اسلامی، انتشار حکم محکومیت قطعی به جرایم اقتصادی مندرج در ذیل تبصره ماده ۳۶ این قانون می‌باشد. در تبصره‌ی مذکور مقرر شده است: «انتشار حکم محکومیت قطعی در جرایم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود». جرایم مذکور در این تبصره، رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرایم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرایم مالیاتی، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور و در نهایت تصرف غیر قانونی در اموال عمومی یا دولتی می‌باشد. بدین سان، قانونگذار ایرانی دایره اجرای مجازات

تشهیر را از آنچه در نصوص فقهی ذکر شده بود گسترده تر نموده و به نظر می‌رسد، در موضع موافقین گسترش اجرای تشهیر قرار گرفته است.

لازم به ذکر است، مطابق نظریه ی مشورتی شماره ی ۷/۹۲/۱۴۷۰ مورخ ۱۳۹۲/۸/۷ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «شرط مذکور در ماده ی ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (موجب اخلال در نظم یا امنیت) صرفاً شامل جرایم مذکور در این ماده است (حدّ محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال) و انتشار حکم قطعی در جرایم مذکور در تبصره ی ذیل ماده ی ۳۶ در صورتی که یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و یا رسانه ملی الزامی است» (شاه حیدری پور، ۱۳۹۴، ۱۸).

در نهایت اینکه، اگر چه به اعتقاد قاطبه فقها تشهیر مجازات اصلی جرم شهادت زور است، ولیکن قانونگذار ایرانی در بحث مجازات شهادت کذب، هیچگونه اشاره‌ای (صریح یا ضمنی) به تشهیر شاهد کذب ننموده است. ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بیان می‌دارد: «هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد، به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد». تبصره ذیل این ماده نیز مقرر داشته است: «مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است». با رجوع به مبحث حدود و قصاص و دیات مشاهده می‌کنیم که هیچ کدام از مواد قانونی در مورد مجازات شاهد کذب، کوچکترین اشاره ای بر تشهیر او نداشته است. این در حالی است که فقهای اسلامی با استناد به روایات و سیره معصومین بر تشهیر شاهد زور تأکید داشته و حتی برخی از آنها، قائل به وجوب تشهیر شاهد زور شده اند (زمانی، ۱۳۹۰، ۱۳۳).

۷-۲- تشهیر در قانون آیین دادرسی کیفری

مجازات تشهیر در قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۴) به نوعی در ماده ۳۵۳ این قانون و تبصره‌های ذیل آن متبلور گردیده است که در ادامه به بررسی و کنکاش این مقرر در قانون مذکور، از جهات مختلف می‌پردازیم.

ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها

مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.

تبصره ۱- هرگونه عکس برداری یا تصویر برداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است. اما رئیس دادگاه می تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.

تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه امکان پذیر است». این ماده که در واقع، در مقام بیان علنی بودن دادرسی و جلوه‌های آن از جمله امکان انتشار جریان رسیدگی و اعلان رأی به عنوان یکی از تضمینات دادرسی عادلانه می‌باشد (محمدی کنگ سفلی، ۱۳۹۴، ۱۵۲)، «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده» که در حقیقت نوعی تشهیر رسانه‌ای محسوب می‌شود را در صورتی مجاز دانسته که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد.

با این حال، قانونگذار ایرانی در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری با وضع یک استثنا، تشهیر رسانه‌ای را با لحاظ شرایط و تشریفات خاص مورد پذیرش قرار داده است. اول اینکه، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد. دوم اینکه، درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه در این خصوص لازم و ضروری است.

همچنین بر اساس حکم مندرج در این ماده، «بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه در رسانه‌ها» که در واقع نوعی تشهیر رسانه‌ای می‌باشد، فقط در موارد مقرر در قانون امکان پذیر است و تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است. منظور از «موارد مقرر در قانون» در این ماده نیز، ناظر به مواردی از جمله مواد ۱۹، ۲۰ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن و نیز سایر مواد قانونی می‌باشد که در آنها از انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها به عنوان یک مجازات اعم از اصلی یا تکمیلی نام برده شده است.

۷-۳- تشهیر در سایر قوانین

در نظام حقوقی ایران بسیاری از قوانین خاص دیگر نیز وجود دارد که در آنها از مجازات تشهیر در مبارزه با پدیده مجرمانه و کیفر دهی بزهکاران به وفور استفاده شده است. در این قسمت به جهت جلوگیری از اطاله کلام، از بحث در خصوص جزئیات این موارد چشم پوشی نموده و صرفاً به ذکر پاره ای از مهمترین مصادیق مجازات تشهیر در این قوانین می پردازیم.

یکی از قوانینی که در آن مجازات تشهیر مورد پذیرش قرار گرفته، قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی (مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام) می باشد. در این قانون، تشهیر در قالب «اعلام نام مؤسسه پزشکی غیر مجاز در جراید» به کار گرفته شده است. بر طبق ماده ۱ قانون مزبور: «ایجاد مؤسسات پزشکی غیر مجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت از نظر تخصصی جرم بوده و متخلف به مجازات های زیر محکوم می گردد: مرتبه اول- تعطیل مؤسسه و ضبط کلیه ملزومات مؤسسه به نفع دولت. مرتبه دوم- علاوه بر مجازات های مرتبه اول، جریمه نقدی به میزان یک میلیون تا ده میلیون ریال و اعلام نام در جراید. مرتبه سوم- علاوه بر مجازات های مرتبه دوم، زندان از شش ماه تا یک سال».

نمونه دیگر، قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام) می باشد که در آن مجازات تشهیر پیش بینی شده است. در این قانون برای نمونه مجازات تشهیر در قالب «نصب پارچه به عنوان گرانفروش» در ماده ۲ و «معرفی از طریق رسانه های گروهی به عنوان محترک» در ماده ۴ مورد اشاره قرار گرفته است.

مورد دیگری که می توان به آن اشاره داشت، قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱) می باشد. در این قانون طبق ماده ۲۷، تشهیر در قالب «چاپ مفاد حکم در یکی از روزنامه ها» مورد شناسایی قرار گرفته است. مطابق مقرر ی مذکور: «شاکی خصوصی می تواند از دادگاه صادرکننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود» در نهایت نیز، می توان به قانون اقدامات تأمینی (مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲) اشاره داشت. در بند ۵ ماده ۱۲ این قانون، از «انتشار حکم» به عنوان یکی از انواع اقدامات تأمینی نام برده شده که نوعی تشهیر محسوب می شود. بر طبق ماده ۱۷ این قانون: «هرگاه منافع عمومی و یا منافع مدعی خصوصی ایجاب نماید دادگاه صادرکننده حکم دستور انتشار حکم را پس از قطعیت هزینه محکوم علیه صادر می نماید. هر

گاه منافع عمومی یا منافع مهمی که برائت حاصل کرده است ایجاب نماید دادگاه دستور انتشار حکم برائت را پس از قطعیت ذی نفع و یا متقاضی به‌هزینه ی اعلام‌کننده جرم صادر می‌نماید».

۸- نتیجه‌گیری

یکی از مسائلی که مکرراً در فقه اسلامی به آن اشاره شده است، حرمت آبروی مؤمن است که آن را با حرمت خون مؤمن قیاس نموده‌اند.^۱ از آنجا که مجازات تشهیر یک استثنا بر اصل حرمت آبروی مؤمن و اصل کرامت ذاتی انسان است لذا شرع مقدّس آن را برای جرم‌های خاص و به‌طور محدود وضع نموده است. بنابراین، به نظر می‌رسد جایز نیست تا این مجازات را بدون مجوّز شرعی یا حکم ثانویه‌ی حاکم شرع به سایر جرایم نیز تعمیم دهیم. لذا به نظر می‌رسد، در مورد جرایم نوظهوری که ماهیت آنها مشابه جرایم دارای عقوبت تشهیر است و فقط در نام‌گذاری با آنها متفاوت اند کیفر تشهیر قابل اجراست مثلاً در مبارزه با مفسدان اقتصادی که شباهت و تطبیق فراوانی با جرم احتیال (کلاهبرداری) دارد با تنقیح مناط و وحدت ملاک می‌توانیم حکم به اجرای تشهیر دهیم. با این حال، استفاده‌ی بی‌رویه و نابجا از این مجازات علاوه بر اینکه مخالف اصل حرمت آبروی مسلمان و اصل کرامت انسانی است و پشتوانه‌ی شرعی متقن ندارد؛ در دراز مدت اثر تربیتی آن را را نیز کاهش می‌دهد و قبح آن را در دیدگاه مجرمان و مردم به‌عنوان ناظر کم می‌کند در نتیجه به فلسفه‌ی اصلی این مجازات که جلوگیری از تکرار جرم و عبرت گرفتن سایرین است لطمه وارد می‌کند. در نظام حقوقی ایران نیز، همان‌طور که بیان شده، اصل بر حرمت حیثیت و آبروی افراد و حتّی مجرمین است و تعرّض به حیثیت اشخاص در غیر مواردی که قانون تجویز می‌نماید، جایز نمی‌باشد.^۲ از جمله مواردی که قانون‌گذار به نوعی تعرّض به حیثیت افراد را مجاز دانسته، مجازات تشهیر است که در قوانین کیفری متعددی از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری موارد اجرای آن را مشخص نموده است. در این قوانین، اغلب کیفر تشهیر به‌عنوان یک مجازات تعزیری اعم از اصلی یا تکمیلی^۳ در قالب اعلام و انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها "مورد توجّه قرار گرفته است. در این قوانین، قانون‌گذار موارد اجرای کیفر تشهیر را به فراتر از آنچه در فقه در خصوص شاهد زور، قاذف، قوّد، محتال و مفلس به کار می‌رود گسترش داده و در بسیاری از جرایم تعزیری به ویژه جرایم

۱- عرض المؤمن کدمه: آبروی مؤمن مثل خون او (محترم) است.

۲- اصول ۲۲ و ۳۹ قانون اساسی

اقتصادی از کیفر تشهیر بهره گرفته است. امید آن که مسؤولین و دست اندرکاران دستگاه قضا، با وسواس و دقت و به دور از شتاب زدگی، تنها در موارد ضروری و با نگاهی به نصوص فقهی موجود در این زمینه، این مجازات را اعمال نمایند تا جامعه از تبعات منفی اجرای بی رویه‌ی تشهیر مصون بماند و هرچه بیشتر از آثار تربیتی آن بهره‌مند گردد. همچنین در خصوص استفاده از رسانه‌های نوین برای مجازات تشهیر، ظاهراً راهکاری منطقی و کارآمد و سازگار با فلسفه‌ی تشهیر است. زیرا آنچه در تشهیر حائز اهمیت است، شناساندن مجرم به مردم جهت تحذیر از وی و در برخی موارد استخفاف مجرم و عبرت‌گیری دیگران است که استفاده از رسانه‌های نوین مانند تلویزیون، اینترنت و ... منافاتی با این امور ندارد. بلکه شاید بتوان گفت در برخی مناطق مانند کلان‌شهرها استفاده از این رسانه‌ها برای تشهیر ضروری می‌باشد. مواد قانونی نیز مجازات تشهیر را تحت عنوان "انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در رسانه‌ها" مطرح کرده‌اند که این خود نشان از تأیید قانونی تشهیر رسانه‌ای است. هرچند شاید بتوان گفت با توجه به نصوص موجود، در شهرهای کوچک و روستاهایی که هنوز امکان تشهیر با گرداندن در کوی و برزن ممکن است، استفاده از روش سنتی اولویت دارد. اگرچه این دو روش در کنار هم و با توجه به ایجاب محیط و منطقه قابل استفاده می‌باشند و تأیید یک روش مانع از صحه گذاشتن بر دیگری نمی‌باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، دار الفكر للطباعة، بیروت.
۳. ابن فارس، ابولحسن، احمد بن فارس زکریا، (۱۴۰۴)، معجم مقائیس اللغة، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳)، معجم الفائده و البرهان، انتشارات اسلامی، قم.
۵. اردبیلی، سید عبد الکریم موسوی، (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، مؤسسه النشر لجامعه المفید، قم
۶. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم، سوریه.
۷. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، کشف اللغاب، انتشارات اسلامی، قم.
۸. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر، (۱۴۰۶)، ملاذ الأخیار، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم.
۹. آبی، فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی، (۱۴۱۷)، کشف الرموز، انتشارات اسلامی، قم.
۱۰. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، (۱۴۱۳)، المقنعه، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، دار العلم للملایین، بیروت.

۱۲. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (۱۴۱۸)، ریاض المسائل (ط - الحدیثه)، مؤسسه آل البيت، قم.
۱۳. حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی، (۱۴۱۷)، غنیه النزوع، مؤسسه امام صادق(ع)، قم.
۱۴. حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، (۱۴۰۳)، الکافی فی الفقه، کتابخانه امام امیرالمؤمنین، اصفهان.
۱۵. حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰)، السرائر، انتشارات اسلامی، قم.
۱۶. حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، (۱۴۰۷)، المهذب البارع، انتشارات اسلامی، قم.
۱۷. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۰)، إرشاد الأذهان، انتشارات اسلامی، قم.
۱۸. حلّی، علامه، حسن بن یوسف اسدی، (۱۴۱۱)، تبصره المتعلمین، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۹. حلّی، علامه، حسن بن یوسف اسدی، (۱۴۲۰)، تحرير الأحكام الشرعيه، مؤسسه امام صادق(ع)، قم.
۲۰. حلّی، علامه، حسن بن یوسف اسدی، (۱۴۱۳)، قواعد الأحكام، انتشارات اسلامی، قم.
۲۱. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۱۸)، المختصر النافع، مؤسسه المطبوعات الدينيه، قم.
۲۲. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۲۳. حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری، (۱۴۰۴)، التنقيح الرائع، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم.
۲۴. خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۲۵. خمینی، سید روح الله موسوی، (بی تا)، تحرير الوسيله، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم.
۲۶. خویی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۲۲)، مبانی تکملة المنهاج، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخویی، قم.
۲۷. سبزواری، علی مؤمن قمی، (۱۴۲۱)، جامع الخلاف و الوفاق، زمينه سازان ظهور امام عصر(ع)، قم.
۲۸. سعدی ابو جیب، (۱۴۰۸)، القاموس الفقهي لغه و اصطلاحا، دار الفكر، دمشق.
۲۹. شاهرودی، سید محمود هاشمی و محققان مؤسسه دایره المعارف اسلامی، (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم.
۳۰. شاهرودی، سید محمود هاشمی و محققان مؤسسه دایره المعارف اسلامی، (۱۴۱۷)، معجم فقه الجواهر، الغدير للطباعه و النشر و التوزيع، بیروت.
۳۱. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، (۱۴۱۵)، الانتصار فی انفرادات الإمامیه، انتشارات اسلامی، قم.
۳۲. شوشتری، محمد تقی، (۱۴۰۶)، النجعه فی شرح اللمعه، کتابفروشی صدوق، تهران.
۳۳. صاحب بن عباد، کافی الکفاه، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغه، عالم الكتاب، بیروت.
۳۴. صیمرمی، مفلح بن حسن (حسین)، (۱۴۲۰)، غایه المرام، دار الهادی، بیروت.
۳۵. طبسی، نجم الدین، (بی تا)، النفی و التغریب فی مصادر التشريع الإسلامی، قم.
۳۶. طبسی، نجم الدین، (بی تا)، موارد السجّن فی النصوص و الفتاوی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.

۳۷. طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، (۱۴۰۶)، المهدب، انتشارات اسلامی، قم.
۳۸. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۳۹۰)، الإستبصار فیما اختلف الأخبار، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۳۹. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷)، الخلاف، انتشارات اسلامی، قم.
۴۰. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۰)، النهايه فی مجرد الفقه و الفتاوی، دار الکتب العربی، بیروت.
۴۱. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۴۲. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم.
۴۳. عاملی، سید محمد حسین ترحینی، (۱۴۲۷)، الزیده الفقیهیه، دار الفقه للطباعه و النشر، قم.
۴۴. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۰۰)، القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید، تهران.
۴۵. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیه، انتشارات اسلامی، قم.
۴۶. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللعه الدمشقیه، دار التراث - الدار الإسلامیه، بیروت.
۴۷. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضه البهیة (المحشی کلانتر)، کتابفروشی داورى، قم.
۴۸. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم.
۴۹. عاملی، یاسین عیسی، (۱۴۱۳)، الاصطلاحات الفقیهیه، دار البلاغه للطباعه و النشر، بیروت.
۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، کتاب العین، نشر هجرت، قم.
۵۱. قاسمی، محمدعلی و پژوهشگران دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (۱۴۲۶)، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
۵۲. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه - مترجم: غفاری، علی اکبر و محمد جواد وصدر بلاغی، (۱۴۰۹)، من لا یحضره الفقیه - ترجمه، نشر صدوق، تهران.
۵۳. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، انتشارات اسلامی، قم.
۵۴. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی (ط - الإسلامیه)، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۵۵. کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین، (۱۴۱۶)، إصباح الشیعه بمصباح الشریعه، مؤسسه امام صادق، قم.
۵۶. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، (۱۴۱۲)، الدرر المنضود فی أحكام الحدود، دار القرآن الکریم، قم.
۵۷. گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، (۱۴۲۶)، جامع المسائل (بهجت)، دفتر معظم‌له، قم.
۵۸. لنکرانی، محمد فاضل موحدی، (۱۴۲۲)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الحدود، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم.
۵۹. محمود عبد الرحمان، (بی تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقیهیه، بی جا.

۶۰. مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی - جمعی از مؤلفان، (بی‌تا)، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم.

۶۱. نجف‌آبادی، حسین علی منتظری - مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابوالفضل، (۱۴۰۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مؤسسه کیهان، قم.

۶۲. نجفی، صاحب الجواهر، محمدحسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۶۳. نراقی، مولی احمدین محمد مهدی، (۱۴۱۵)، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم.

۶۴. واسطی، زبیدی، سیدمحمد مرتضی حسینی، (۱۴۱۴)، تاج العروس، دارالفکر للطباعه و النشر والتوزیع، بیروت.

۶۵. وجدانی فخر، قدرت‌الله، (۱۴۲۶)، الجواهر الفخریه فی شرح الروضه البهیة، انتشارات سماء قلم، قم.

منابع حقوقی و قوانین

۱. بولک، برنار، (۱۳۸۵)، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، تهران.
۲. حیدری، علی‌مراد، (۱۳۹۲)، نقد کیفرشناختی تشهیر رسانه‌ای، مجله حقوق اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، سال دهم، شماره ۳۸.
۳. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، نشر میزان، تهران.
۴. زمانی، لیلیا؛ ابویی، حسین؛ تولائی، علی، (۱۳۹۰)، تشهیر شاهد زور، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، سال چهل و چهارم، شماره ۲.
۵. شاه حیدری پور، محمد علی و فریدون تحصیل‌دوست، (۱۳۹۴)، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران.
۶. صلاحی، جاوید، (۱۳۸۶)، کیفرشناسی و دیدگاه‌های جدید، نشر میزان، تهران.
۷. محمدی کنگ سفلی، احسان، (۱۳۹۴)، دادرسی عادلانه در قلمرو کیفری ایران با تطبیقی بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، انتشارات مجد، تهران.
۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۹. قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۴).
۱۰. قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱).
۱۱. قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی (مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام).
۱۲. قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام).
۱۳. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱).
۱۴. قانون اقدامات تأمینی (مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲).

منابع حقوقی و قوانین

۱. آیت الله شاهرودی، لایحه معرفی مفسدان اجتماعی تدوین می شود، پایگاه خبری جام جم آنلاین، کد خبر ۱۷۰۶۶۵۰۴۱۰۰۰۰، تاریخ ۱۳۸۳/۰۹/۰۳، تاریخ دانلود ۱۳۹۳/۰۵/۰۸.
<http://www1.jamejamonline.ir>
۲. شلاق از عادلانه ترین مجازات هاست، روزنامه اعتماد، شماره ۱۷۰۹، ۱۳۸۷/۰۴/۰۶، صفحه ۲، تاریخ دانلود ۱۳۹۳/۰۵/۰۸.
<http://www.magiran.com>
۳. مصاحبه با آیت الله شاهرودی، پایگاه خبری اینترنتی عرش نیوز. کد مطلب ۶۹۰۳۱. تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۳، تاریخ دانلود ۱۳۹۳/۰۵/۰۱.
<http://www.arshnews.ir>